

واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب عقاید مکتب نهادگرایی

فرشاد مومنی*، حمید پاداش**، امیر خادم علیزاده*** و رامینه سلیمانزاده****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

چکیده

نشانه‌شناسی فرآیند مطالعه نشانه‌ها است. بررسی ارتباط بین نشانه‌شناسی و سایر علوم از مباحث جدید در دنیای علم است. کشف چگونگی این ارتباط می‌تواند هدف پژوهش‌های مختلف از جمله پژوهش حاضر باشد. این مطالعه، با اتخاذ رویکرد رهیافت نشانه‌شناختی به بررسی توسعه در چارچوب مکتب نهادگرایی می‌پردازد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین نشانه‌شناسی و رهیافت نهادگرایی به توسعه از چند طریق پیوند برقرار است؛ نخست اینکه، بازار امری قراردادی و متأثر از ترجیحات و ارزش‌های افراد است. دوم اینکه دولت نهادی است که قابلیت تحلیل نشانه‌شناختی دارد. سوم اینکه چگونگی مصرف و میزان ارزش کالاها به نحوه استفاده آن‌ها از نشانه‌ها بستگی دارد. چهارم اینکه تولید یک رفتار نشانه‌شناختی است. پنجم اینکه رفتار عقلایی کنشگران یک معنای منطقی و نشانه‌شناختی دارند. ششم اینکه نظام ارزشی و هنجاری شکل‌دهنده رفتار افراد موضوع نشانه‌شناسی فرهنگی را پیش می‌کشد.

طبقه بندی JEL: O17، P00، P40

کلید واژه‌ها: نشانه‌شناسی، نهادگرایی، توسعه.

* استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

farshad.momeni@gmail.com

** استادیار، اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران، پست الکترونیکی: hamidpadash@yahoo.com

*** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

khademalizadeh.a@gmail.com

**** دانشجوی دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران - نویسنده مسئول، پست الکترونیکی:

r.soleymanzade@atu.ac.ir

- این مقاله مستخرج از رساله دکتری رامینه سلیمانزاده، تحت عنوان «تبیین مولفه‌های نظام معنایی توسعه در اقتصاد اسلامی با رویکرد نشانه‌شناختی (با تأکید بر آراء اندیشمندان منتخب)» به راهنمایی آقای دکتر مومنی و مشاوره آقایان دکتر پاداش و دکتر خادم علیزاده است.

۱- مقدمه

دنیای اطراف ما پر از نشانه‌ها است و هر نشانه حاوی معانی و پیام‌هایی است و هر معنایی از یک واقعیت خارجی حکایت می‌کند. در قالب همین معنای وسیع است که نشانه‌شناسی قابلیت کاربرد برای توصیف جامعه، اقتصاد و همچنین ذهنیت‌ها و نگرش‌ها پیدا می‌کند (سیفکس^۱، ۲۰۱۰). کار دخل و تصرف و تغییر شکل‌هایی که روی مواد و منابع انجام دهیم و از طریق آن اشیای فیزیکی را به وجود می‌آوریم، مشابه کاری است که از طریق زبان انجام می‌دهیم و با دخل و تصرف در کلمات یک پیام و معنای خاص را ایجاد می‌کنیم. بنابراین، در تولید و توزیع و مصرف پیام‌ها نیز نوعی بهره‌برداری شخصی قابل تصور است (کالازی و تالن^۲، ۲۰۰۷). به این ترتیب می‌توان قائل به نوعی ارتباط بین مولفه‌ها و نهادهایی که ناظر بر توسعه هستند و مدل نشانه‌ای از تولید و گردش پیام‌ها بود. در واقع می‌توان با استفاده از مدل نشانه‌ای مفهوم و معنای یک مولفه را بازنمایی و مشخص کرد که به چه صورت می‌تواند دال بر توسعه باشد. به عبارت دیگر، یک نظام اقتصادی خاص، یک سیستم متشکل از نشانه‌ها است که در آن معانی از یک واقعیتی نشئت می‌گیرند و مفسر ارتباط آن نشانه‌ها را با واقعیت تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه آن نشانه به آن واقعیت دلالت دارد.

هر نظام اقتصادی سیستمی از «بازنمودها» است آن هم در یک مفهوم وسیع از تمرین‌ها، استراتژی‌ها، ارزش‌ها، عقاید و تئوری‌ها (کراتلی^۳ و سایرین، ۲۰۱۳). هر کدام از این عقاید، ارزش‌ها و مولفه‌ها یک مقوله بنیادین هم از نشانه‌شناسی و هم از اقتصاد هستند. اگر از زاویه عقاید، ارزش‌ها، ترجیحات افراد و نیز نظریات علمی به بررسی نشانه‌شناختی مکاتب اقتصادی و نیز آرای آن‌ها در خصوص سه بخش اصلی اقتصاد خرد و کلان و توسعه بپردازیم، بی‌شک به یافته‌های جدیدی خواهیم رسید که می‌توانند راهگشای روش جدیدی برای مطالعات اقتصادی باشد. در راستای چنین دغدغه‌ای و با انتخاب سطح تحلیل توسعه‌ای در بررسی‌های اقتصادی، واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب عقاید مکتب نهادگرایی هدف اصلی این پژوهش است.

1- Martin Siefkes

2- Giulia Colaizzi and Jenaro Talens

3- Giorgio Corateli

نکته اصلی این است که با واکاوی ارزش‌ها و عقاید مکتب نهاد‌گرایی در خصوص توسعه، می‌توان بین نشانه‌شناسی و توسعه پیوند برقرار کرد. بنابراین، سوال اصلی مقاله چگونگی انجام این فرآیند است. به عبارت بهتر، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان با رهیافت نشانه‌شناختی، مقوله توسعه را در چارچوب مکتب نهاد‌گرایی تبیین کرد؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نشانه‌شناسی عبارت است از: «همه چیز را نشانه یا نظام نشانه‌ای دانستن». هر چیزی می‌تواند موضوع بررسی نشانه‌شناسی باشد؛ این به آن معنا است که نشانه‌شناسی هیچ موضوع خاصی ندارد یا دست کم هیچ موضوعی که از پیش خاص آن در نظر گرفته شده باشد، ندارد (گرنی، ۱۳۹۶). پیرس در تعریف نشانه‌شناسی از نوعی الگوی سه وجهی برای معرفی فرایند دلالت بهره می‌گیرد:

«یک بازنمون^۱ چیزی است که برای کسی بنا به دلیلی به چیز دیگر دلالت می‌کند. بازنمون در ذهن آن شخص، نشانه معادلی را پدید می‌آورد... من این نشانه دوم را تفسیر^۲ همان نشانه اول می‌نامم. این نشانه دلالت بر یک موضوع^۳ دارد» (پیرس، ۱۹۳۱-۵۸).

به باور پیرس دلالت نشانه از سه وجه تشکیل شده است؛ در این نوع دلالت ما در برابر یک صورت قرار داریم. فرض کنید این صورت همان چراغ راهنمایی و رانندگی است که چراغ قرمز روشن است. این صورت همان است که پیرس بازنمون می‌نامد. از طریق این صورت درمی‌یابیم که این چیز به چیز دیگر دلالت دارد. این چیز دوم توقف کردن است که موضوع نامیده می‌شود. وقتی من با دیدن چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی درمی‌یابم که باید توقف کنم، در اصل آن چیز اولی، یعنی بازنمون یا همان صورت را به چیز دوم، یعنی همان موضوع، تعبیر یا به قول پیرس تفسیر می‌کنم (صفوی، ۱۳۹۳). در ادامه مقاله به طور مختصر به نشانه‌شناسی پیرس خواهیم پرداخت.

1- Representamen

2- Interpretent

3- Object

از نظر پیرس همه اشیا «شیء فی نفسه» هستند و نشانه‌ها هم واسطه‌ای عام بین ذهن آدمی و جهان بیرون هستند (گرنی، ۱۳۹۶). وی در جستار «پرسش‌هایی درباره قوه‌هایی که برای انسان برشمرده‌اند»، تاکید می‌کند که: ۱- ما قوه شهود نداریم. هر معرفت از معارف پیشین ما ناشی می‌شود. ۲- ما قوه درون‌نگری نداریم. معرفت ما از دنیای درون نتیجه استدلال‌های فرضی براساس مشاهده چیزهای دیگر است. ۳- بدون نشانه‌ها نمی‌توانیم بیندیشیم. پیرس معتقد است که افراد به واقعیت دسترسی مستقیم ندارند و نمی‌توانند داشته باشند. نشانه‌ها، واسطه عام میان ذهن آدمی و جهان پیرامون او هستند. نشانه‌ها نه شخصی، بلکه اجتماعی و همگانی‌اند و جامعه است که معنای آن‌ها را مشخص می‌کند. بر این اساس، اصل متعالی در فلسفه پیرس، جامعه است. معیار صدق هم توافق عمومی است. از آنجا که حقیقت قراردادی است، وظیفه فیلسوف یا دانشمند تلاش برای شناخت واقعیت موجود نیست (زیرا چنین شناختی ممکن نیست)، بلکه وظیفه او توضیح دادن تصورات موجود از واقعیت است. نشانه‌شناسی زندگی را پیش‌بینی‌پذیرتر و در نتیجه راحت‌تر می‌کند (گرنی، ۱۳۹۶).

مقوله توسعه یکی از اصلی‌ترین مباحثی است که از نیمه دوم دهه ۱۹۴۰ به دغدغه اصلی کشورهای جهان سوم تبدیل شده است. توسعه غیر از رشد بوده و بسیار عمیق‌تر و وسیع‌تر از رشد است. همچنین توسعه فراتر از تحولات مادی و فنی صرف بوده و بهبود روابط انسان‌ها و حتی توسعه ارزش‌های اصیل انسانی را نیز دربر دارد. ادگار اونز در این خصوص می‌گوید: «عده‌ای تصور کرده‌اند که توسعه گویی تنها یک مجموعه اقتصادی کاربردی (مادی) بوده و هیچ ارتباطی با عقاید سیاسی و نقش مردم در جامعه ندارد. ما تئوری اقتصادی و سیاسی را ترکیب می‌کنیم تا دچار ملاحظات تک بعدی نشده و فقط به محصول بیشتر توجه نکنیم، بلکه برای کیفیت خود مردمی که محصول را ایجاد می‌کنند نیز ارزش قائل شویم» (اونز، ۱۹۸۷). مایکل تودارو نیز معتقد است که «توسعه نباید فقط رفاه مادی را دربر گیرد، بلکه باید موجب رشد عزت نفس فردی و اجتماعی شود» (تودارو، ۱۹۸۹).

از میان تعاریف مختلف، تعریف جرالد می‌یر را انتخاب می‌کنیم، زیرا این تعریف هم به بعد اثباتی و مادی توسعه توجه دارد و هم به بعد ارزشی و هنجاری آن. از نظر جرالد می‌یر توسعه عبارت از رشد اقتصادی توأم با تحولات است و تحولات شامل تغییر و

واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب... ۱۶۷

تحولات در حوزه ارزش‌ها و نهادها و نیز تحولات در حوزه فنی است (می‌یر، ۱۹۹۵). باید توجه داشت که ورود به مسیر توسعه، مستلزم اصول اولیه و پیش‌نیازهای ارزشی و نهادی است که در غالب مدل‌ها و استراتژی‌های رایج توسعه به آن‌ها پرداخته نمی‌شود (متوسلی، ۱۳۸۷).

به طور کلی بین نظام ارزش‌ها و توسعه درهم‌تنیدگی وجود دارد، زیرا بحث از رفاه دربردارنده بحث از ارزش‌ها نیز است. درباره چگونگی درهم‌تنیدگی توسعه و نظام ارزش‌ها می‌توان گفت که توسعه شامل تحول اقتصادی است و تحول اقتصادی نتیجه پیدایش تغییر در عوامل زیر است:

۱- تغییرات در کیفیت و کمیت انسان‌ها

۲- تغییرات در میزان و ذخایر دانش بشر

۳- تغییرات در ماتریس نهادی که بیانگر ساختار انگیزشی جامعه است (جمعی از نویسندگان: ۱۳۹۲). هر یک از این تغییرات، دگرگونی در نظام اعتقادی {باورها و ارزش‌ها} را در ضمن خود دارد. تغییر در کیفیت انسان‌ها و ساختار انگیزشی جامعه و تغییر در دانش بشر بدون تاثیرپذیری از مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها و نظام اعتقادی افراد قابل تصور نیست. هر مکتب فکری متناسب با نظام باورها و مواضع فکری و فلسفی و عقیدتی و از زاویه جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص خود به مبحث تغییر و تحول می‌پردازد و به این تغییرات و تحولات متناسب با آن باورها و ارزش‌ها سمت و سو می‌بخشد.

با این توضیحات یک ارتباط اولیه بین توسعه و نشانه‌شناسی چنین قابل تصور خواهد بود که ورود به مسیر توسعه مستلزم اصول اولیه و پیش‌نیازهای ارزشی و نهادی است. این اصول و پیش‌نیازهای ارزشی در قالب فعالیت‌های فرهنگی و فکری در یک جامعه نهادینه می‌شود. ارزش‌ها، آداب و رسوم، هنجارها و ترجیحات افراد اگر درست و متناسب با بستر فکری، عقیدتی و... هر جامعه‌ای تبیین نشانه‌شناختی شوند، می‌تواند فهم ماجرای توسعه را تسریع و تصحیح بخشد و از تناقضاتی که حاصل تقلید صرف از تجارب توسعه جوامع دیگر است و گاه نه تنها موجب توسعه نمی‌شوند، بلکه توسعه‌نیافتگی را تداوم می‌بخشند، جلوگیری کند، زیرا به هر میزان که ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی در یک جامعه تقویت شود، رفتار افراد آن جامعه پیش‌بینی‌پذیرتر می‌شود، چراکه موجب می‌شود آن‌ها در چارچوب قواعد خاصی رفتار کنند. پس قابلیت اعتماد افراد بیشتر می‌شود و

مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌پذیرد و توسعه شکل می‌گیرد (رنانی و مویدفر، ۱۳۸۹). در سطح غیرفردی نیز نهادها با کمک تجارب برگرفته از محیط زبانی، فرهنگی و اجتماعی، عدم اطمینان‌هایی را که فراروی انتخاب‌های بشری قرار دارد، کاهش می‌دهند و به این ترتیب راه توسعه را هموار می‌سازند.

از آنجا که پژوهش حاضر تحلیل نشانه‌شناختی است، واحد تحلیل‌شونده در آن متن است؛ در این روش که یک روش کیفی است برای انتخاب نمونه‌ها (مولفه‌هایی که مورد تحلیل واقع می‌شوند) از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی استفاده می‌شود و در آن نمونه‌ها براساس نظر پژوهشگر انتخاب می‌شوند؛ یعنی پژوهشگر براساس تجربه شخصی خود و یا تجارب تکراری و مشابه دیگران نمونه‌ها را انتخاب می‌کند و با استفاده از رویکرد نشانه-شناختی پیرس و کاسیرر به تبیین آن‌ها می‌پردازد.

با وجود اینکه در زمینه ارتباط بین اقتصاد و نشانه‌شناسی پژوهش‌های چندی صورت گرفته است، اما ارتباط نشانه‌شناسی و توسعه به‌طور خاص مغفول واقع شده است. از جمله پژوهش‌هایی که ناظر به ارتباط بین اقتصاد و نشانه‌شناسی هستند، عبارتند از:

- آریل رابین اشتاین^۱ در کتاب «اقتصاد و زبان» (۲۰۰۰) در پی پاسخ به دو سوال اصلی است:

۱- علت ارتباط تئوری‌های اقتصادی با موضوعات زبانی چیست؟

۲- چرا تئوری‌های اقتصادی موضوعی مناسب برای تحقیق از منظر زبانی هستند؟

وی برای پاسخگویی به این دو سوال و نمایش چگونگی ارتباط تفکر اقتصادی با مطالعه زبان با ارائه چندین تحلیل مشابه اقتصادی با نمایش موضوعات زبانی به این نتیجه رسیده که تئوری اقتصادی نظم موجود در روابط متقابل انسان‌ها را توضیح می‌دهد در حالی که عامل به وجود آورنده این نظم در اصل زبان طبیعی است.

همچنین عاملان اقتصادی موجودات انسانی هستند که از زبان به عنوان ابزاری اساسی در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها استفاده می‌کنند. مدل‌های ریاضی مورد استفاده در علم اقتصاد در عین حال که خود استعاره هستند اهمیت‌شان از تفسیرهایی ناشی می‌شود که باید بر زبان جاری شوند.

- دیوید ای هارپر (۲۰۰۴) در کتاب «تجارت، زبان و ارتباط» معتقد است که ارتباط بین زبان و تجارت احتمالاً از زمان آغاز علم اقتصاد توسط آدام اسمیت به رسمیت شناخته شده بود، چرا که میل به مبادله که در دیدگاه اسمیت عامل اصلی تقسیم کار است، احتمالاً پیامد ضروری توانایی عقل در سخن گفتن است. زبان انسان و دستگاه اعداد نظام‌های نشانه‌ای جذابی برای اقتصاددانان نهادی هستند، زیرا این نظام‌های نشانه‌ای می‌توانند در نمایش ساختار درونی مدل‌های ذهنی نقش ایفا کنند و مدل‌های ذهنی عبارتند از مدل‌های شناختی که مردم برای تفسیر محیط به وجود می‌آورند. در نظر وی، تجارت جز با شکل‌های ارتباط نمی‌تواند صورت بگیرد و شکل‌های ارتباطی هم از نشانه‌های ارتباطی گرفته می‌شوند.

- نویسندگان مقاله «مقدمه‌ای بر نشانه‌شناسی مباحث اقتصادی» (۲۰۱۵) معتقد هستند گفتمان اقتصادی زمینه خاصی برای تحلیل‌های بین رشته‌ای نشانه‌شناختی شرایط تاریخی و حال حاضر اقتصاد است. آنان همچنین به این نکته اشاره می‌کنند که در حال حاضر هیچ کار متداول و مشخصی در مورد گفتمان اقتصادی در ادبیات نشانه‌شناختی وجود ندارد. ایشان هدف تحقیق خود را پر کردن شکاف در ادبیات نشانه‌شناختی برای پیشبرد تحقیقات در این زمینه و کمک به بازگشایی مسیر پژوهش‌های نشانه‌شناختی در اقتصاد اعلام می‌کنند. این مقاله در نگرش به ارتباط نشانه‌شناسی و اقتصاد دو نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که عبارت از سوال از ارزش‌ها و همچنین خطابه در گفتمان اقتصادی است.

پژوهش حاضر می‌خواهد با اتخاذ رهیافت نشانه‌شناختی به مطالعه توسعه در مکتب نهادگرایی بپردازد. در همین راستا در ادامه، ابتدا به رویکردهای نشانه‌شناختی مدنظر پژوهش حاضر و همچنین به نظریات مکتب نهادگرایی در خصوص توسعه اشاره می‌کنیم و سپس آن‌ها را در قالب رهیافت نشانه‌شناختی تبیین می‌کنیم.

الف- رویکرد نشانه‌شناسی پیرس

حدود ۱۰۰ سال پیش منطق‌دان و فیلسوف آمریکایی چارلز سندرس پیرس^۱ اصطلاح سیموسیس^۱ را به کار گرفت و آن را پژوهش و درک نسبت میان بازنمون، تفسیر و موضوع

1- Charles Sanders Peirce

دانست. پیرس در آخرین سال‌های زندگی خود از اصطلاح نشانه‌شناسی استفاده کرد. نشانه‌شناسی آن‌گونه که پیرس در نوشته‌های پراکنده خود به کار برده است، دانش بررسی تمامی پدیدارهای فرهنگی است که به نظام‌های نشانه‌شناسی تعلق داشته باشند. پیرس نشانه‌شناسی را نظریه‌ای برای فهم نشانه و مربوط به منطق می‌دانست (پیرس، ۱۹۳۱). از آنجا که آیین‌های اجتماعی در هر فرهنگی یک نظام نشانه‌ای را به وجود می‌آورند، پژوهش درخصوص این آیین‌ها و نشانه‌های آن‌ها منجر به کشف قانونمندی‌هایی می‌شود که در زبان‌شناسی هم مصداق دارند. نظم منطقی ذهن پیرس، نشانه‌شناسی را در همه عرصه‌های زندگی و تفکر بشری تعمیم می‌داد و نشانه‌شناسی از نظر او چارچوبی اجرایی برای مطالعه همه چیز بود: «هیچ‌گاه نتوانسته‌ام چیزی را مطالعه کنم - هر چه می‌خواهد باشد: ریاضیات، اخلاق، متافیزیک، جاذبه، ترمودینامیک، شیمی، آناتومی تطبیقی، نجوم، روان‌شناسی، اقتصاد، تاریخ علوم و... و به آن چنان چیزی غیر از یک مطالعه نشانه‌شناختی نگاه کنم» (شفر، ۱۳۸۰).

از دید پیرس (۱۹۳۱) سه نوع نشانه وجود دارد که عبارتند از:

الف - شمایل^۱: تصوراتی از چیزها که فقط از طریق رابطه شباهت می‌توان آن‌ها را تشخیص داد به شمایل معروفند. در نشانه شمایی رابطه نشانه با موضوع مبتنی بر شباهت است، یعنی نشانه از برخی جهات (ظاهر، صدا، احساس یا بو) مشابه موضوع است. به عبارت دیگر، شمایل برخی کیفیات موضوع را دارد. پس برخلاف نامگذاری این تشابه، تشابه تنها تصویری نیست و اگر براساس حواس پنجگانه بتوان تشابهی بین کرد و موضوع را به تفسیر درآورد با یک نشانه شمایی روبه‌رو هستیم.

ب - نمایه^۲: نشانه طبیعی از طریق ارتباط فیزیکی و علی با چیزها بر آن‌ها دلالت می‌کند. نشانه‌های نمایه‌ای دلخواهی نیستند، بلکه به طور مستقیم به طریقی فیزیکی یا علی به موضوع وابسته‌اند. این رابطه را می‌توان مشاهده یا استنتاج کرد. نشانه‌های طبیعی (جای پا، رعد و...، نشانه‌های پزشکی (درد، ضربان قلب، خارش و...)، ابزارهای اندازه‌گیری (بادنما، دماسنج و...) و سرانجام شاخص‌هایی در زبان (ضمایر شخصی، قیدهای زمان و مکان و...) را می‌توان از جمله نشانه‌های نمایه‌ای دانست.

1- Semiosis

2- Icon

3- Index

واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب... ۱۷۱

ج- نماد^۱: نماد را نشانه وضعی یا قراردادی هم می‌گویند که از طریق کاربرد با معناهایشان پیوند یافته‌اند. در نمادها، نشانه مشابه موضوع نیست، بلکه براساس رابطه قراردادی یا کاملاً دلخواهی دال بر موضوع است. این رابطه را باید یاد گرفت. از جمله نشانه‌های نمادین می‌توان به زبان به‌طور عام، علامت‌های موریس و نظایر آن اشاره کرد.

در میان این سه نوع نشانه، نماد از میزان قراردادی بودن بیشتری برخوردار است. این به آن معناست که تنها کاربران نماد طبق قراردادهایی که بین خود ایجاد کرده‌اند از مفهوم آن مطلع هستند و شخصی خارج از این گروه کاربران مفهوم نماد را نخواهد فهمید.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که طبق دیدگاه پیرس وقتی از نشانه‌شناسی برای بررسی پدیدارهای فرهنگی متعلق به نظام‌های نشانه‌شناسی استفاده می‌کنیم، لاجرم یک الگو و روش سه وجهی به کار می‌بریم؛ به این صورت که گاه به دلیل وجود شباهت یک چیز را نشانه‌ای برای چیز دیگر قرار می‌دهیم و هنگام کدگشایی با کشف همین تشابه بین نشانه و موضوع آن را کدگشایی کرده و تفسیر می‌کنیم. همچنین گاه به دلیل یک ارتباط فیزیکی و علی به کدگذاری یا کدگشایی یک موضوع می‌پردازیم و معنی و تفسیر آن را کشف می‌کنیم و سرانجام ممکن است نه از روی تشابه و نه با توجه به رابطه فیزیکی، بلکه با یک روش قراردادی و وضعی به رمزگذاری یا رمزگشایی از یک موضوع اقدام کنیم و با به کارگیری چنین روشی سعی کنیم به تفسیر و معنی آن دست یابیم.

ب- رویکرد نشانه‌شناسی کاسیرر

ارنست کاسیرر^۲ (۱۹۲۳-۲۹) برخی نظام‌های نشانه‌ای به‌خصوص را با عنوان «صورت‌های نمادین» توصیف و ادعا کرد که صورت‌های نمادین یک جامعه، فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهند. از زمان کاسیرر به بعد، رویکردی با عنوان نشانه‌شناسی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. نشانه‌شناسی فرهنگی زیرشاخه نشانه‌شناسی است که موضوع آن فرهنگ است. براساس گفته کاسیرر نشانه‌شناسی فرهنگی دو وظیفه دارد:

الف- مطالعه نظام‌های نشانه‌ای در یک فرهنگ با توجه به مشارکتی که در فرهنگ دارند.

1- Symbol

2- Ernst Cassirer

ب- مطالعه فرهنگ به مثابه یک نظام نشانه‌ای با توجه به مزایا و مضراتی که فرد در تعلق به فرهنگی خاص تجربه می‌کند.

فرهنگ نیز کلیت پیچیده‌ای است که شامل دانش، باور، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم و همه قابلیت‌ها و عادات دیگر می‌شود که بشر به عنوان عضوی از جامعه کسب کرده است (لوتمان و دیگران، ۱۳۹۰). مفهوم متن در نشانه‌شناسی فرهنگی از مفهومی منحصر به نشانه-های گفتاری و نوشتاری بالاتر رفته و به مفهومی که تمام مصنوعات تولید شده و به کار گرفته در هر فرهنگ را دربر می‌گیرد، ارتقا یافته است. در نتیجه این مفهوم کلی برای استفاده همه رشته‌هایی که در مطالعه پدیده‌های فرهنگی دخیل هستند، مناسب است (محمودی بختیاری و دیگران، ۱۳۹۵).

از نظر کاسیرر حیات فرهنگی کنونی جوامع دچار شکاف عمیق شده و اندیشه‌های عقلانی در زندگی عملی و اجتماعی بشر دچار شکست قطعی شده است به طوری که تسلیم خطرناک‌ترین دشمن خود، یعنی نیروی اندیشه اسطوره‌ای شده است. (کاسیرر، ۱۳۹۳) و این امر بیشتر از هر چیزی موجب تحول اندیشه‌های سیاسی شده است. کاسیرر در این زمینه مبحث اسطوره دولت را مطرح می‌کند. وی با بررسی ساحت اندیشگانی مختلف (از فلسفه یونان باستان تا اندیشه‌های هگل) به این نتیجه می‌رسد زمانی که دولتمردان از دانایی عمیق سیاسی برخوردار باشند، دولت مبتنی بر قانون و عدالت باشد؛ مفهوم اخلاقی دولت رواج خواهد داشت. وی با تاکید بر اهمیت اندیشه عقلانی و اخلاقی، آن را ویژگی اصلی دولت موفق می‌داند و می‌آورد که «هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی باید رهبری را اندیشه عقلانی برعهده بگیرد. اندیشه عقلانی باید راه را به ما نشان دهد و آن را از نخستین تا آخرین گام روشن کند. رفاه دولت در افزایش قدرت فیزیکی آن نیست. در حیات دولت میل بیشتر و بیشتر داشتن، درست به همان اندازه مصیبت‌بار است که در زندگی فردی. اگر دولت تسلیم این میل شود، این سرآغاز پایانش خواهد بود» (کاسیرر، ۱۳۹۳).

کاسیرر با اشاره به اهمیت اخلاق می‌گوید: «اخلاق به ما نشان می‌دهد که چگونه بر هیجان‌ات و شورهای خود حکومت کنیم و چگونه آن‌ها را به وسیله فضیلت خرد و میانه-روی، معتدل سازیم» (کاسیرر، ۱۳۹۳).

واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب... ۱۷۳

از دید کاسیرر، اگر جهان سیاست ارتباط خود را با حیات اخلاقی و فرهنگی که گرایش‌های عقلانی اساس آن را تشکیل می‌دهند از دست بدهد، دولت تبدیل به یک اسطوره خواهد شد که ذات و ماهیت آن افراط‌کاری و گزافه‌گویی است و بدون استفاده از روش‌های اختناق و سرکوب و بدون امر و نهی کردن برخی رفتارها، ارزش‌ها را تجزیه می‌کنند و مردم را دگرگون ساخته بر آن‌ها فرمان می‌رانند.

رهیافت نهادگرایی به توسعه

نهادها، محدودیت‌ها و قواعدی هستند که رفتار اقتصادی کنشگران را تعیین می‌کند و شکل می‌بخشد. در واقع، به تعبیر داگلاس نورث، نهادها قواعد بازی در یک جامعه هستند که به دو قسم قواعد رسمی (قوانین و مقررات مکتوب) و قواعد غیررسمی (نظام باور، ارزش‌ها، هنجارها، عادات و عرف) تقسیم می‌شود. بر این اساس، نهادگرایی رویکردی است که نقش نهادها را در فرآیند توسعه به رسمیت می‌شناسد. از نظر تاریخی، دو رویکرد اصلی به نهادگرایی وجود دارد؛ نهادگرایی قدیم و نهادگرایی جدید. رویکرد سومی نیز به نام رویکرد نئونهادگرایی قابل شناسایی است که در ادبیات کمتر به آن پرداخته شده است. اقتصاد نهادگرایی قدیم که از آن تحت عنوان اقتصاد نهادگرایی اصیل نیز نام برده می‌شود. آرای اندیشمندانی مانند ویلن، کامونز^۱، میچل^۲ و آیرس را شامل می‌شود. این نهادگرایان که دیدگاه انتقادی نسبت به اقتصاد نئوکلاسیک داشتند، نظرات مشترکی دارند که عبارتند از: تاکید بر عمل جمعی بیش از عمل فردی، بررسی تکاملی اقتصاد به جای بررسی‌های مکانیکی و در نهایت تاکید بر مشاهدات تجربی به جای استدلال‌های قیاسی. همچنین این اندیشمندان از منتقدان سرسخت فرض عقلانیت اقتصاد نئوکلاسیک بودند و به جای استفاده از ابزار کلاسیکی تحلیل مانند مطلوبیت و مطلوبیت نهایی بر نهادها به عنوان عامل اصلی شکل‌دهنده رفتار تاکید می‌کردند. این رویکرد در دهه آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به تدریج گسترش یافت و به رویکردی مهم در اقتصاد تبدیل شد، اما با آغاز دهه ۱۹۴۰ رو به افول نهاد (مومنی و نیکونسبتی، ۱۳۹۶). همزمان با افول

1- Commons

2- Mitchell

اقتصاد نهادی قدیم به تدریج رویکرد نهادی دیگری گسترش یافت که بعدها به اقتصاد نهادگرایی جدید معروف شد. اولین بار اصطلاح اقتصاد نهادی جدید توسط ویلیامسون در سال ۱۹۷۵ مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌ترین مسأله‌ای که این مکتب را از اقتصاد نهادگرایی قدیم جدا می‌کند، همراهی اصلاح‌گرایانه آن با اقتصاد نئوکلاسیک است. داگلاس نورث (۱۹۹۰) در این زمینه می‌نویسد: «اقتصاد نهادی کوششی برای الحاق تئوری نهادها به علم اقتصاد است، اما برخلاف بسیاری از تلاش‌های اخیر که جهت براندازی یا جایگزینی نظریه نئوکلاسیک انجام گرفته است، اقتصاد نهادی جدید براساس آن ساخته شده است و درصدد اصلاح و گسترش نظریه نئوکلاسیک است تا به آن اجازه دهد که طیف وسیعی از مسائل را که پیش از این خارج از دید آن بود، درک و به آن رسیدگی کند. براین اساس، آنچه از نظریه نئوکلاسیک حفظ می‌شود، فرض اساسی کمیابی و بنابراین رقابت است که اساس رهیافت نظریه انتخاب است که اقتصاد خرد مبتنی بر آن است. اما آنچه از نظریه کلاسیک کنار گذاشته می‌شود، عقلانیت ابزاری است. فرض عقلانیت ابزاری باعث شده است که نظریه نئوکلاسیک به نهادها بی‌توجه باشد. واقعیت این است که ما اطلاعاتی ناقص و ظرفیت ذهنی محدودی برای پردازش اطلاعات داریم. بنابراین، نقطه آغاز برای ایجاد یک نظریه نهادی اصلاح فرض عقلانیت ابزاری است.»

با وجود اختلافات روشی و تئوریک در رویکردهای قدیم و جدید به نهادگرایی، می‌توان وجوه مشخص و متمایزی را برای رویکرد نهادگرایی در نظر گرفت که قابلیت تعمیم به رویکردهای مختلف آن را داشته باشد. بر این اساس، طبق رهیافت نهادگرایی مجموعه قوانین و هنجارها و ارزش‌هایی که در قلب و اندیشه افراد یک جامعه نوشته می‌شود و به اختصار می‌توان آن‌ها را «سرمایه اجتماعی» نامید، نقش بسزایی در توسعه‌یافتگی یک جامعه دارند. هنجارهای رفتاری، سنت و آداب و رسوم و به‌طور کلی محدودیت‌های غیررسمی شرط لازم برای عملکرد خوب اقتصادی هستند. آن‌دسته از جوامعی که ارزش‌هایشان مشوق رشد اقتصادی است، می‌توانند رشد موفقیت‌آمیزی داشته باشند حتی اگر قواعد سیاسی‌شان بی‌ثبات یا ناسازگار باشد. نهادگرایان در نظریات خود به این نکات توجه داشتند که شرایط متفاوت تولید، میزان و تنوع متفاوتی از محصول را موجب می‌شود. همچنین حق انتخاب و قلمرو آن در تمامی ابعاد زندگی به ویژه در انتخاب کار، ویژگی مهمی در سنجش میزان توسعه‌یافتگی است. اگر در انتخاب و انجام کار تمایلات

افراد در نظر گرفته نشود، کمترین کارایی و به تبع آن کمترین محصول به دست خواهد آمد. نکته سوم اینکه اعمال هر قاعده، قانون و مقرراتی که با خوی فطری انسانی و با ویژگی‌های ارزشی یک جامعه منافات داشته باشد، کارکرد اقتصادی را متزلزل خواهد کرد (متوسلی، ۱۳۸۷).

برای اقتصاد نهادگرایی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را می‌توان به عنوان ویژگی‌های اصلی آن (که بر فرآیند توسعه تاثیر گذار هستند) بر شمرد که عبارتند از:

- توجه خاص به عامل انسان (کسی که رفتارش مطالعه می‌شود): نهادگرایان معتقدند که عقل منبع محدودی است که با تخصیص ادراکی، نتایج را اقتصادی می‌کند و چون عقلگرایی محدود موجب توانایی ادراک محدود می‌شود، بنابراین، نهادگرایان بر درک بهتر ویژگی‌های کلیدی انسان از جمله نفع‌طلبی شخصی و فرصت‌طلبی (مخاطرات اخلاقی، ظفره رفتن از تجماع تعهد و...) تاکید می‌کنند. آنان همچنین عوامل نهادی مانند سنت‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ و مذهب را تحت عنوان قیود غیررسمی عواملی تاثیرگذار بر ادراک فرد می‌دانند. به عبارت دیگر، نهادگرایان با وارد کردن دانایی به درون تابع تولید، جایگاه انسان را در فرآیند تولید به انسانی‌ترین سطح خود در طول تاریخ بشر ارتقا داده‌اند به این معنا که سهم توانایی فکری و عقلانی انسان در خلق ارزش افزوده جدید به سمت عدد ۱۰۰ در تابع تولید تمایل نشان می‌دهد در چنین شرایطی طبیعی است که وزن و جایگاه عوامل غیراقتصادی موثر بر عملکرد اقتصادی نظیر عوامل فرهنگی، آداب و رسوم، عناصر اجتماعی و سیاسی افزایش چشمگیری پیدا می‌کند (مومنی، ۱۳۸۸).

- توجه به قابلیت اجرا: مکتب نهادگرایی می‌خواهد نظریه‌ای را ارائه دهد که قابلیت اجرایی بالایی داشته باشد، بنابراین، از فروض انتزاعی و ایده‌آل مانند عقل ناب، حس خیرخواهی، هزینه معاملاتی صفر و مانند آن خودداری می‌کند و اگر به علت وجود اطلاعات ناقص و به دنبال آن هزینه معاملاتی بر وجود دولت به عنوان نظام قانونی ضامن اجرای قراردادها تاکید دارد به این معنی نیست که حتما دولت در اقتصاد کارا عمل می‌کند، بلکه به این دلیل است که امکان دارد نتوان هیچ شیوه دیگری را طراحی کرد که منفعت خالص حاصل شده را بیشتر کند (ویلیامسون، ۲۰۰۰).

مهم‌ترین کانون نقد روش شناختی اقتصاد متعارف از سوی نهادگرایان به همین مساله برمی‌گردد و به این معنا است که فاصله پیدا کردن بنیان‌های تئوریک اقتصاد متعارف با

واقعیت‌های موجود، یکی از جنبه انتزاع بیش از حد این آموزه از واقعیت‌های موجود و دوم روند رو به پیچیدگی زیاد واقعیت‌های موجود، منشا نقدهای جدی شده است. در واقع نهادگرایی به عنوان یک بنیان نظری می‌خواهد که از یک سو از حداکثر ظرفیت‌ها و کارآمدی‌های اقتصاد مرسوم بهره‌بردار و از سوی دیگر، به صورت روشمند و نظام‌وار کاستی‌های آن را برطرف سازد (مومنی، ۱۳۸۸).

- توجه به بنگاه و سازمان: در اینجا خود بنگاه مدنظر نیست، بلکه ساختار درونی بنگاه برای تحلیل‌ها مهم است. تاکید اقتصاد نهادگرا بر ساخت درونی بنگاه است که هدف و تاثیر اقتصادی دارد. این یک برداشت سازمانی است.

- توجه به انگیزش‌ها و نقش دولت: نهادگرایان دولت را محور اصلی شکل دادن به قواعد رسمی بازی اقتصادی می‌دانند و معتقدند که چگونگی شکل‌گیری این قواعد، شکل‌های متفاوتی از عملکرد بازاری را موجب می‌شود (مومنی، ۱۳۸۸). با وجود هزینه‌های معاملاتی، نقش دولت در برقراری نظم، تعدیل تضادها و افزایش منافع حاصل از مشارکت، مورد تاکید نهادگرایان است. دولت‌ها به عنوان تعیین‌کنندگان «حقوق مالکیت» بر هزینه‌های معاملاتی تاثیر می‌گذارند و از این طریق انگیزش‌ها را تغییر داده و به آن‌ها مجدد شکل می‌دهند. البته این به معنای آن نیست که دولت دانای کل و خیرخواه مطلق است (متوسلی، ۱۳۸۷).

رهیافت نشانه‌شناختی به توسعه در چارچوب نهادگرایی

از آنجا که نشانه‌شناسی بررسی نظام‌مند نشانه‌ها است در تحلیل نشانه‌های اقتصادی نیز می‌تواند سودمند باشد. در ادامه به برخی از موضوعات مرتبط با توسعه در چارچوب نهادگرایی (اعم از نهادگرایی قدیم و نهادگرایی جدید) اشاره کرده و به بررسی نشانه‌شناختی آن‌ها می‌پردازیم.

۱- قراردادی بودن بازار: اگر با نشانه‌شناسی پیرسی ارتباط بین نشانه‌شناسی و اقتصاد توسعه را مورد توجه قرار بدهیم، اولین نهاد در خورد توجه که در فرآیند توسعه نقش برجسته دارد، نهاد بازار خواهد بود. طبق آن چیزی که اقتصاددانان مکتب نهادگرایی نیز باور دارند، قوانین قراردادی و نه حقایق محض، بازارها را به عنوان یک فضای قانونی که به تضادها و تولیدات مادی نظم می‌دهد، خلق می‌کنند. بنابراین، فرض رقابت کامل

واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب... ۱۷۷

کلاسیک‌ها نیز تخیل صرف خواهد بود. «واقعیت این است که بازارها در خلا عمل نمی‌کنند و به خودی خود قادر به تعریف، تضمین و اجرای حقوق مالکیت نیستند. بازارها به اعمال قرارداد، هماهنگی و اطلاعات نیاز دارند. بنابراین، گستره بازارها، چگونگی عملکرد و پیامدهای آن برای کارایی و توزیع به چگونگی عملکرد نهادهای زیربنایی شکل‌دهنده بازارها بستگی دارد. از سویی می‌توان گفت که بازار خود یک نهاد است؛ نهادی که شامل هنجارهای اجتماعی، آداب و رسوم، سنت‌ها، روابط نهادمند و شبکه‌های اطلاعاتی خاص خود است و در هر مورد خاص با شناخت مولفه‌ها، می‌توان داوری دقیقی درباره یک بازار معین ارائه کرد. از سوی دیگر، بازار وابسته به مجموعه نهادهای سطح بالاتری است که معین می‌کنند کدام معامله‌ها انجام شود، چه کسی مبادله کند و اصول قرارداد چه باشد؛ هر یک از این نهادها با جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه پیوند دارد» (مومنی، ۱۳۸۵). طبق این برداشت، بازار جهانی از معنا و نشانه است و قوانین رایج در بازار طبق رویکرد پیرس، نمایه‌ای خواهند بود که براساس یک رابطه علی دال بر موضوع، یعنی توسعه خواهند داشت. به عنوان نمونه، هنجارهای رایج در جامعه هنجارهای می‌توانند مشوق نوع دوستی باشند یا مشوق راحت‌طلبی و خودخواهی؛ سنت‌های رایج در جامعه، می‌توانند مشوق پاداش‌های بدون زحمت باشد و یا سنت‌هایی باشند که مشوق پاداش مبتنی بر شایستگی هستند. در این صورت هر یک از این موارد، نشانه نمایه‌ای خواهد بود که می‌تواند کیفیت نهاد بازار را در جامعه نشان دهد. علاوه بر این، در قالب نشانه‌شناسی پیرسی، قراردادهایی که در بازار اعمال می‌شوند، نشانه‌هایی هستند که نقص آن‌ها، موضوع مبادله را با هزینه مواجه ساخته و به این ترتیب، نظم بازار را از وضعیت خودانگیختگی به یک وضعیت مبتنی بر نهاد سوق می‌دهد و این همان وجه تمایز رویکرد نهادگرایی از رویکرد نئوکلاسیک در تبیین بازار است.

۲- دولت: از منظر نهادگرایی دولت یک کل منسجم و یکپارچه نیست، بلکه دولت عبارت است از مجموعه‌ای از نهادها به همراه طیف متنوعی از افراد که به دنبال حداکثر-سازی مطلوبیت خود هستند. کارگزاران دولت در فرآیند حداکثرسازی مطلوبیت خویش به مبادله مجموعه‌ای از خدمات می‌پردازند که نورث آن‌ها را «حمایت» و «عدالت» می‌خواند و ناظر بر حمایت و تضمین قراردادهای منعقد شده بین واحدهای خصوصی و اجرای عادلانه آن‌ها به ازای کسب درآمد است. به منظور مهار رفتار فرصت‌طلبانه کارگزاران

دولتی لازم است محدودیت‌های رسمی و غیررسمی به صراحت بیان شود و یک قوه قضاییه مستقل و کارآمد به شکل بی‌طرفانه به اختلاف‌ها رسیدگی کند (نورث، ۱۳۷۷). در عرصه مسائل توسعه یکی از مشخصه‌های کلیدی دولت‌های توسعه‌گرا، وجود دیوان-سالاری توانمند و منسجم است (اوانز، ۱۳۸۰). به طور کلی سه ملاک عمده برای سنجش عملکرد توسعه‌ای دولت‌ها قابل طرح است که به ترتیب عبارتند از: میزان موفقیت دولت در کاهش انواع مخاطرات و عدم اطمینان‌ها، میزان موفقیت دولت در تقویت انگیزه‌های کارآفرینی در بخش خصوصی، میزان موفقیت دولت در تشویق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های بالقوه تولیدی (مومنی، ۱۳۸۵). دولت اگر نتواند این وظایف خود را به خوبی انجام دهد و کارگزاران آن فقط به دنبال حداکثرسازی منفعت خود باشد و نیروهای برتر عقلانی و اخلاقی در خدمت اهداف شخصی قرار بگیرند و جای خود را به رانت‌خواری و فرصت-طلبی بدهد، جامعه را آشوب و آشفتگی دربر می‌گیرد و به تعبیر کاسیرر اندیشه اسطوره‌ای خیزش می‌کند. در قالب خیزش اندیشه اسطوره‌ای «اسطوره‌های سیاسی می‌خواهند مردم را دگرگون کنند تا آن‌ها را زیرفرمان خود قرار دهند و تحت کنترل داشته باشند. اسطوره‌های سیاسی همچون ماری عمل می‌کنند که قربانی خود را پیش از حمله فلج می‌کنند. مردمان قربانی اسطوره‌های سیاسی می‌شوند بی‌آنکه در برابر آن‌ها مقاومتی جدی نشان دهند. آنان بیش از آنکه بدانند واقعا چه اتفاقی افتاده است، مغلوب و منقاد شده‌اند (کاسیرر ۱۳۹۳). اکنون اگر با نشانه‌شناسی پیرس به تحلیل نهاد دولت بپردازیم، نهاد دولت یک موضوع نشانه‌شناختی خواهد بود که به اموری چون مبارزه با مخاطرات، مبارزه با عدم اطمینان‌ها، تربیت افراد کارآفرین، انجام فعالیت‌های اقتصادی مولد، صورت خارجی می‌بخشد و هر کدام از این موارد نمایه‌ای خواهند بود که از طریق دلالت بر کارآمدی دولت دال بر تحقق توسعه خواهند بود. وجود یک ساخت رانتهی که هزینه‌های عدم اطمینان را افزایش می‌دهد و بجای افراد و مدیران کارآفرین و خالق فرصت، مدیران طالب فرصت پرورش می‌دهد، نمایه ناکارآمدی دولت است و از استمرار دوره‌های باطل توسعه خبر می‌دهد. ضمن اینکه قراردادهایی که نهاد دولت در راستای برقراری عدالت و حمایت وضع می‌کند خود از نوع نشانه قراردادی، یعنی نماد هستند.

یکی از دیدگاه‌های جالب درباره دولت، دیدگاه کاسیرر درباره دولت به مثابه یک اسطوره سیاسی است که مبتنی بر یک رویکرد زبان‌شناختی است. اسطوره همیشه به یک

واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب... ۱۷۹

شیوه عمل نمی‌کند و نیرویش برحسب شرایط، کاهش یا افزایش پیدا می‌کند و زمانی به نیروی کامل خویش دست می‌یابد که بشر با موقعیتی غیرعادی و خطرناک روبه‌رو شود. در واقع اگر عقل در یاری کردن ما فروماند در این صورت از قدرت معجزات و کرامات کمک می‌طلبیم (کاسیرر، ۱۳۹۳). اسطوره‌های سیاسی به دست افراد ماهر ساخته می‌شوند. این افراد در نخستین گام نقش زبان را تغییر می‌دهند و به جای کاربرد معنایی واژه بر کاربرد جادویی آن تاکید می‌کنند تا تاثیرات معینی را ایجاد کنند و هیجانات خاصی را برانگیزند. این واژه‌های نوساخته و جادویی باری از احساسات و هیجانات شدید دارند و به منظور برانگیختن احساسات تند سیاسی به کار می‌روند. این اسطوره‌های سیاسی به این ترتیب افراد را تغییر داده و تحت کنترل خود قرار می‌دهند (کاسیرر، ۱۳۹۳).

پیامدهای نظری دیدگاه کاسیرر درباره دولت به مثابه اسطوره به مقولات مهم و بنیادین نظیر آزادی و عدالت برمی‌گردد. طبق این دیدگاه، دولت به مثابه دولت عدالت، می‌تواند رهیافت نظری مداخله حداکثری را در اقتصاد توجیه کند. نخستین وظیفه دولت برقراری عدالت است. عدالت پایه قانون و اساس جامعه سازمان‌یافته است (کاسیرر، ۱۳۹۳). از نظر کاسیرر مشخصه عمل آزاد یک شخص سرشت انگیزه‌ها است. آن انسانی به معنای اخلاقی، عاملی آزاد است که انگیزه عملش وابسته باشد به آنچه طبق داوری او و بنابر اعتقاد او تکلیف اخلاقی است (کاسیرر، ۱۳۹۳). طبق این دیدگاه، نگرش دولت از منظر آزادی ما را به مداخله حداقلی دولت در اقتصاد سوق می‌دهد. اگر به تبیین نشانه‌شناختی دولت از منظر کاسیرر پردازیم، نظام زبان و نوع واژه‌های رایج در ساحت سیاسی یک جامعه به صورت قراردادی و در قالب نشانه نمادی، دال بر این خواهند بود که آیا نظام سیاسی آن جامعه نظام اخلاقی و در نتیجه مشوق توسعه است و یا اینکه دولت اسطوره‌ای روی کار است که به دوره‌های باطل توسعه دامن می‌زند. ضمن اینکه با توجه به نقش فرهنگ و اصول اخلاقی و عقلانی در شکل‌گیری دولت اخلاقی یا دولت اسطوره‌ای، این بحث، قابلیت بررسی به کمک نشانه‌شناسی فرهنگی را نیز دارد.

۳- مصرف و ارزش: چگونگی رفتار اقتصادی افراد به‌طور عام و رفتار موثر آن‌ها بر سطح توسعه و میزان ارزشی که به کالاها می‌دهند به نحوه استفاده آن‌ها از کلمات و تفسیر و تعبیر آن‌ها (به‌عنوان یکی از فرآیندهای نشانه‌شناسی پیرسی) بستگی دارد و حاکی از برخی

مفروضات مهم درباره کلمات است. در قالب نشانه‌شناسی پیرسی، این فرضیات آشکار می‌کند که چگونه یک فرد بین اشیا و موضوع آن‌ها تمایز قائل می‌شود.

نظریه مصرف تظاهری^۱ و بلن، ارزش اجتماعی خود را از تفسیر مردم می‌گیرد. به عنوان مثال، یک شخص ارزش کالای ابریشمی را از طریق تشخیص میزان سودمندی آن‌ها معلوم می‌کند. هر چند بر پایه ساختارهای ایدئولوژیکی تشخیص اینکه برای مثال لباس ابریشمی سودمند نیست، بستگی به این دارد که باور داشته باشیم این کالای خاص قدرت ماورای و معجزه‌گونه ندارد (جورنا^۲ و انگلن^۳). نکته اصلی در نظریه وبلن درک این مهم است که ترجیحات افراد مادرزادی نیستند، بلکه به شدت تحت تاثیر شرایط اجتماعی قرار دارند و در بستری اجتماعی- فرهنگی شکل می‌گیرند. از دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، کالاها دو کارکرد ابزاری و آیینی دارند؛ به این صورت که هم جایگاه اجتماعی مصرف‌کننده را نشان می‌دهند و هم ابزاری برای تسهیل فرآیند زندگی هستند. همین کارکرد ابزاری کالاها عامل کمک‌کننده به فعالیت‌های تولیدی است. مصرف، تولید را افزایش می‌دهد و تولید نیز به نوبه خود، میزان مصرف را بالا می‌برد (مشهدی، ۱۳۹۲)

بررسی نظریه مصرف در چارچوب نشانه‌شناسی پیرس نشان می‌دهد که از یک سو جایگاه اجتماعی افراد نماد یا نشانه وضعی است که می‌تواند نحوه انتخاب کالا و مصرف را نشان دهد. از سوی دیگر تمایل جامعه به کالاهای خاص و نوع خاصی از مصرف خود نشانه‌ای است که حاکی از تفسیر افراد جامعه از کالاها است و تمایلات و ترجیحات آن‌ها را نشان می‌دهد و توجه به همین نشانه‌ها می‌تواند در پیش‌بینی رفتار مصرفی افراد و سامان دادن به الگوهای مصرف آن‌ها موثر باشد.

۴- روان‌شناسی تولید: از یک سو در بحث از تولید و چگونگی آن، خدمات و آنچه تبلیغ می‌شود، نگاه روان‌شناختی از طریق شمایل، نماد و تصویر از یک نهاد و سازمان به مشتریان و شهروندان عطف می‌شود. ضمن اینکه مشخصات همین نشانه‌ها خود نیز یک بخش اساسی از نشانه‌شناسی است (طبق ویژگی پردازشی بودن مدل نشانه‌شناسی پیرسی) (جورنا و انگلن، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، ساختار انگیزشی جامعه نیز یک موضوع نشانه‌شناختی است که می‌تواند به تولید مولد یا غیرمولد صورت خارجی ببخشد. در واقع

1- Conspicuous

2- Jorna

3- Engelen

چگونگی ساختار انگیزشی، نشانه‌ای است که می‌تواند نمایه‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی مشوق تولید مولد یا فعالیت‌هایی که علیه تولید مولد هستند، باشد. به عنوان مثال، ساختار انگیزشی مشوق سرمایه‌گذاری در حوزه زمین و مسکن، نمایه‌ای است که بر فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد دلالت دارد و ساختار انگیزشی مشوق سرمایه‌گذاری در حوزه فعالیت‌های صنعتی و دانش‌بنیان، نمایه‌ای است که بر فعالیت‌های اقتصادی مشوق تولید مولد دلالت می‌کند. علاوه بر این، شیوه‌هایی که نهادهای تولیدی با کمک آن، بازار را به سمت ایجاد تقاضا برای تولید کالاهای خاص سوق می‌دهند، صورت‌هایی از کنش نمادین هستند که حدود آن‌ها توسط ساختارهای قانونی و قراردادی مشخص می‌شود. این رویکرد به نهادها به عنوان یک امر مصنوعی و یک شکل از کنش نمادین، ما را به سمت جنبه‌های نشانه‌شناختی از نهادهای فوق رهنمون می‌کند.

پس ساختار انگیزشی، آنچه تولید می‌شود و شیوه ایجاد تقاضا برای کالاهای تولید شده یک رفتار نشانه‌شناختی تلقی می‌شود که از یک سو به ذهنیت‌ها و برنامه‌هایی که در پس این فعالیت‌ها وجود دارد، صورت خارجی می‌بخشد و از سوی دیگر، می‌تواند در قالب چشم‌انداز روان‌شناختی و با تاثیر بر ذهنیت افراد و جهت‌دهی به تولید بر فرآیند توسعه تاثیر بگذارد.

۵- عقلانیت: عقلانیت اقتصادی عبارت است از: تخصیص ماهرانه منابع کمیاب بین اهداف مختلف به نحوی که حداکثر اهداف مورد نظر تحقق یابد. این فرض که در نیمه اول قرن بیستم مقبول اقتصاددانان واقع شده، مدعی عقلانیت کامل انسان اقتصادی بوده است (آقانظری و دانش، ۱۳۹۱). سایمون برای نخستین بار فرض کامل بودن اطلاعات عامل اقتصادی و بی‌هزینه بودن کسب اطلاعات را رد کرد که این ایرادها در پیدایش عقلانیت محدود نقش داشت (همان). عقلانیت محدود و اطلاعات ناقص، یکی از فروض مورد توجه اقتصاد نهادی است. عقلانیت محدود که فرض مورد اجماع تمامی اقتصاددانان نهادگرا اعم از قدیم و جدید است. تلویحا بر این امر که تصمیم‌ها در بستر اطلاعات قابل وصول و قابل پردازش عقلانی‌اند، دلالت دارد (کلانی و دیگران، ۱۳۹۴). محدود بودن عقلانیت و ناقص بودن اطلاعات موجب ناکارآمدی بازار و بروز هزینه‌های مبادله می‌شود. جرالدمی‌یر با اشاره به این موضوع می‌گوید که «در کشورهای توسعه نیافته عملیات ناکامل بازار نشانه جهالت به مفهوم فقدان آشنایی با ساختارهای بازار و ناآگاهی از

اطلاعات مناسب است. سیاست‌گذاری‌های دولتی برای آموزش مردم برای اینکه به رفتار اقتصادی عقلایی عمل کنند، مناسب است» (می‌یر، ۱۳۷۸).

به گفته می‌یر، نحوه تاثیر پدیده نقص اطلاعات بر سطح توسعه از این قرار است که «اگر اطلاعات کافی و دقیق نباشند، علامت‌دهی بازار به طور صحیحی از سوی کارگزاران بازار خواننده یا تفسیر نخواهند شد. تخصیص منابع مشخصی رخ خواهد داد، اما این تخصیص از تخصیص کارا بر مبنای اطلاعات کافی و دقیق متفاوت است» (می‌یر، ۱۳۷۸). بنابراین، چون اطلاعات کامل نیست و عقلانیت اقتصادی افراد نیز محدود است برای تحقق توسعه، آموزش نیروی انسانی، بهبود مهارت و دانش و ارتقای استنتاجات او ضروری به نظر می‌رسد و در نهایت افراد و نهادها با تصمیم‌هایی که می‌گیرند و استنتاجاتی که انجام می‌دهد بر سطح فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه بر سطح توسعه تاثیر می‌گذارند.

حال اگر از منظر نشانه‌شناسی پیرس به فرآیند بهبود اطلاعات، ارتقای استنتاجات و قدرت تبیین و پیش‌بینی در راستای کاهش هزینه‌ها نگاه کنیم، می‌بینیم که همه اشکال استنتاج‌های اصلی یک معنای منطقی دارند. برای مثال، استنتاج از راه بهترین تبیین^۱ عبارت از این است که یک گزینه عقلانی شمایی گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که بیشترین شباهت را به واقعیت دارد و استنتاج قیاسی^۲ به این معنی است که تصمیم‌گیرندگان نماد قطعی، کاملاً منطقی و براساس اطلاعات مناسب عمل می‌کنند و سرانجام استنتاج استقرایی^۳، یعنی مجموعه‌ای از گزینه‌های احتمالی و ناقص و تصمیمات نمایه‌ای، مبتنی بر حداکثرسازی سود موردانتظار هستند (ماروستیکا^۴، ۲۰۰۳). همچنین با استفاده از داده کاوی نشانه‌شناختی^۵ می‌توانیم استنتاج بهترین تبیین را ارتقا دهیم و بهترین نوع استنتاج از راه بهترین تبیین را پیدا کنیم؛ به این صورت که مثلاً در حوزه اقتصاد مالی به عنوان یک عامل اصلی تاثیرگذار در فرآیند توسعه، مفاهیمی چون «درآمد سرانه»، «وام» و «ریسک» مفاهیم اصلی هستند. اگر نهادهایی که در حوزه اقتصاد مالی کار می‌کنند به معنای مفاهیم (به مفهوم نشانه‌شناختی آن) توجه

1- Abductive
2- Dductive
3- Inductive
4- Ana Marostica
5- Semiotic Data Mining

واکاوی نسبت بین نشانه‌شناسی و توسعه در چارچوب... ۱۸۳

نکنند از سوی مشتریان غافلگیر خواهند شد. برای مثال، کارشناسان این نهادهای مالی باید مفاهیمی از قبیل «چشم‌انداز رشد» را بررسی و تجزیه و تحلیل کنند، زیرا این مفهوم با مفاهیم مبهمی مانند «در مرحله بهبودی بودن»^۱ در ارتباط است. یکی از معانی این مفهوم (در مرحله بهبودی بودن) این است که روند تولید کلی در حال افزایش است که معنای مثبتی دارد، زیرا نشانه افزایش ظرفیت‌ها برای تولید کل است. همچنین معنای دیگر روی فاز بهبودی بودن، این است که تقاضای کل بیش از حد در حال افزایش است که یک معنای منفی دارد، زیرا این مفهوم را می‌رساند که بهبود در اوضاع کشور می‌تواند ناپایدار باشد. در این مورد نیز روش نشانه‌شناسی می‌تواند کاربردی باشد، زیرا این روش، داده‌ها را از نقطه‌نظر کیفی و معنایی بررسی می‌کند. مطابق با نشانه‌شناسی پیرسی هر مجموعه از داده‌ها خود یک نشانه است که خود یک موضوع و یک تفسیر (معنا) دارد و فعالان اقتصادی می‌توانند با استفاده از این نشانه‌ها و معنای آن‌ها به ارتقای استنتاجات خودشان کمک کنند و تصمیمات بهتری بگیرند (ماروستیکا، ۲۰۰۳).

به‌طور کلی فرض عقلانیت محدود و اطلاعات ناقص، مساله هزینه‌های مبادله و تحلیل-های نهادی در برداشت‌های نهادگرایان را مطرح می‌کند. فرض اطلاعات ناقص، عامل اقتصادی را به تلاش برای بهبود دانش خویش و انجام استنتاجات به منظور کاهش هزینه‌های مبادله سوق می‌دهد و همانطور که بررسی شد، فرآیند استنتاج و تصمیم‌گیری عقلایی می‌تواند موضوع نشانه‌شناختی واقع شود. فرد با استفاده از نشانه‌ها می‌تواند قدرت خود را برای محاسبه هزینه‌ها و فواید هر انتخاب افزایش دهد.

۶- فرهنگ و توسعه: با استفاده از نشانه‌شناسی فرهنگی می‌توان به بررسی مقوله توسعه در مکتب نهادگرایی پرداخت؛ به این صورت که مهم‌ترین ویژگی تحلیل‌های سطح توسعه خصلت بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای مسائل سطح توسعه است، یعنی درخصوص فعالیت‌های توسعه‌گرا بیشتر از وجه اقتصادی آن، روی وجوه غیراقتصادی آن پرداخته می‌شود. نورث در کتاب «فهم فرآیند تحول اقتصادی» (۱۳۹۶) وقتی که توسعه را از دیدگاه نهادگرایی فرمول‌بندی می‌کند، حتی یک متغیر اقتصادی را هم به عنوان متغیر تعیین‌کننده، تعریف

1- To be in a Phase of Recovery

نمی‌کند. عموم متغیرهای توسعه از دیدگاه او غیراقتصادی هستند؛ به خصوص تاکید زیادی بر وجه اندیشه‌ای و فرهنگی دارد. اگر یک جامعه‌ای بخواهد در مسیر توسعه قرار بگیرد، توان رقابت و مقاومت پیدا کند، عدالت اجتماعی و دانایی محوری در جامعه موضوعیت پیدا کند، از دیدگاه ملاحظات سطح توسعه، ریشه اصلی مساله به حیطه فرهنگ برمی‌گردد.

توجه به حوزه فرهنگ به عنوان عامل موثر در فرآیند توسعه، لاجرم ما را وارد حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی نیز می‌کند. یک جامعه‌ای که دغدغه توسعه داشته باشد باید فرهنگ آن را -هم در حوزه فرهنگ اجتماعی، هم فرهنگ مادی و هم فرهنگ ذهنی- ایجاد کند، آن بخش از فرهنگ موجود جامعه را که می‌تواند در راستای توسعه باشند، تقویت کند و فرهنگ ضد توسعه‌ای را تغییر دهد. همه این‌ها موضوعاتی هستند که در نشانه‌شناسی فرهنگی به آن‌ها پرداخته می‌شود. بحث از ارزش‌ها و سرمایه‌های اجتماعی تقویت‌کننده فرآیند توسعه در همین راستا قرار دارد. همانطور که پیشتر هم اشاره شد، سوال از ارزش‌ها یکی از مسائلی است که در نگرش به ارتباط اقتصاد و نشانه‌شناسی باید مورد توجه قرار بگیرد.

به طور کلی، اقتصاد سیستمی از بازنمود است؛ آن هم در مفهوم وسیعی از ارزش‌ها و عقاید و تئوری‌ها. برای مثال، در حوزه توسعه از نظر اقتصاددانان نهادگرا با ترکیب خردمندانه ارزش‌هایی چون رقابت و همکاری روبه‌رو هستیم. آن‌ها معتقدند که ما ترکیبی از همکاری و رقابت را داریم. بنابراین، همانطور که مساله رقابت را سامان‌دهی می‌کنیم باید مساله تعامل و همکاری را نیز سامان‌دهی کنیم، زیرا آنجا که مساله تضاد منافع موضوعیت پیدا می‌کند، مساله همکاری تبدیل به یک معضل پرچالش و سرنوشت‌ساز می‌شود. دوتا از محورهای اصلی توسعه، یعنی تقسیم کار و تخصص‌گرایی مبتنی بر حل معضل همکاری هستند. نورث معتقد است که انقلاب بهره‌وری، بیش از آنکه مرهون رقابت باشد، مرهون همکاری است. وقتی همکاری اتفاق می‌افتد، جهش‌های بهره‌وری نیز پدیدار می‌شوند، حل معضل همکاری نیز اقدامات جدی در حیطه فرهنگ و ارزش‌ها را می‌طلبد (نورث، ۱۳۹۶).

۳- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مهم‌ترین ویژگی تحلیل‌های سطح توسعه، ویژگی بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای بودن مسائل توسعه است. به بیان دیگر، توسعه اقتصادی هم در عوامل اقتصادی و هم در عوامل غیراقتصادی ریشه دارد و همین امر، مسیر تحلیل نشانه‌شناسی توسعه را به عنوان یک رویکرد نوین باز می‌کند. براساس این رویکرد، توسعه از زوایای مختلف قابلیت تحلیل نشانه‌شناختی دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان چنین جمع بندی کرد:

۱- اگر با نشانه‌شناسی پیرسی ارتباط بین نشانه‌شناسی و اقتصاد را مورد توجه قرار بدهیم، بحث از جنبه قراردادی بودن بازار موضوعی در خور بررسی خواهد بود. بازار، جهانی از معنا و نشانه است که از قوانین قراردادی ناشی می‌شود.

۲- دولت نهادی است که می‌تواند موضوع نشانه‌شناختی قرار گیرد و به اموری چون کاهش مخاطرات و عدم اطمینان‌ها، انگیزه‌های کارآفرینی و فعالیت‌های تولیدی صورت خارجی بدهد. دولتی که براساس ارزش‌های اخلاقی و عقلایی روی کار آید و به اداره امور جامعه پردازد به مفهوم اخلاقی دولت وجود خارجی می‌بخشد و نشانه‌ای از حرکت در راستای تحقق توسعه خواهد بود، اما اگر خلاف این باشد، مفهوم اسطوره‌ای دولت صورت خارجی پیدا خواهد کرد که می‌تواند نشانه‌ای از توسعه‌نیافتگی باشد.

۳- چگونگی مصرف و میزان ارزشی که به کالاها می‌دهند به نحوه استفاده آن‌ها از کلمات و تفسیر و تعبیر آن‌ها (به عنوان یکی از فرآیندهای نشانه‌شناسی پیرسی) بستگی دارد و حاکی از برخی مفروضات مهم درباره کلمات است و در قالب نشانه‌شناسی پیرسی، این فرضیات آشکار می‌کند که چگونه یک فرد بین اشیاء و موضوع آن‌ها تمایز قائل می‌شود.

۴- مکتب نهادی در بحث از تولید و چگونگی آن، خدمات و آنچه تبلیغ می‌شود، چشم‌انداز روان‌شناختی از طریق شمایل، نماد و تصویر از یک نهاد و سازمان به مشتریان و شهروندان عطف می‌شود. ضمن اینکه مشخصات همین نشانه‌ها خود نیز یک قسمت اساسی از نشانه‌شناسی است.

۵- در ادبیات اقتصاد نئو کلاسیک، عقلانیت نشانه توسعه و عدم عقلانیت نشانه عدم توسعه در نظر گرفته می‌شود. اگر هدف نهادها کمک به تسریع و تسهیل روند توسعه‌یافتگی باشد

باید فرض کنیم که رفتار کنشگران مطابق با عقلانیت در انتخاب باشد. در رویکرد نهادگرایی، مفهوم عقلانیت محدود به عنوان یکی از مؤلفه های کلیدی تحلیل لحاظ می-شود. در واقع عقلانیت محدود و نقص اطلاعات کنشگران را به تلاش برای تکمیل اطلاعات و ارتقای استنتاجات به منظور کاهش هزینه ها، سوق می دهد، فرآیند استنتاج و بهبود اطلاعات، یک معنای منطقی و نشانه شناختی دارند.

۶- از منظر برخی اقتصاددانان نهادگرا، فرهنگ به معنای نظام ارزشی و هنجاری شکل-دهنده رفتار افراد، می تواند یکی از عوامل تبیین کننده توسعه و یا عدم توسعه کشورها تلقی شود. توجه به حوزه فرهنگ به عنوان عامل موثر در فرآیند توسعه، لاجرم ما را وارد حوزه نشانه شناسی فرهنگی نیز می کند. بحث از اینکه کدام ارزش ها و باورها و عقاید بر فرآیند توسعه تاثیر مثبت دارند و کدامی ک بر روند توسعه تاثیر منفی می گذارند همگی مباحث نشانه شناختی هستند.

در مطالب فوق، مشخص شد که بین نشانه شناسی و توسعه طبق آموزه های مکتب نهادگرایی پیوند و ارتباط وجود دارد. اکنون این سوال پیش می آید که این ارتباط و پیوند چه مزایایی می تواند داشته باشد؟ و غفلت از این ارتباط چه هزینه هایی را می تواند در پی داشته باشد؟ پاسخ به این سوالات می تواند در یک تحقیق مستقلی مورد بحث تفصیلی قرار گیرد.

براساس آنچه در این مقاله استدلال شد، رهیافت نشانه شناختی به توسعه یک رهیافت متفاوت و متمایز به معمای توسعه است از این حیث که رهیافت مزبور، داده های اقتصادی را از نقطه نظر معنایی بررسی می کند. فعالان حوزه اقتصاد و توسعه می توانند با تحلیل نشانه شناختی به ارتقای استنتاجات خود در تحلیل فرآیندهای علی و معنایی توسعه کمک کنند. پر واضح است که هزینه ای که جامعه در نتیجه غفلت از این فرآیندها می پردازد، می تواند ناشی از استنتاج توصیه های سیاستی برای توسعه یافتگی منبث از رویکرد اقتصاد متعارف باشد.

منابع

الف) فارسی

آقائظری، حسن و حسینعلی دانش (۱۳۹۱)، «جستاری در دوام مقبولیت نظریه رفتار عقلانی کامل در علم اقتصاد»، *مجله سیاست‌گذاری اقتصادی*، سال چهارم، شماره هشتم، ۱۷۹-۱۵۱.

اوانز، پیتر (۱۳۸۰)، *توسعه یا چپاول*، ترجمه محمدرضا رضوی، تهران، انتشارات طرح نو. تودارو، مایکل (۱۳۷۲)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲)، *نهادها و توسعه*، ترجمه محمد متوسلی، مصطفی سمعی نسب و علی نیکو نسب، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

رنانی، محسن و رزیتا مویدفر (۱۳۸۹)، *چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد*، تهران، طرح نو. شفر، ژان ماری (۱۳۸۰)، *نشانه‌شناسی*، از کتاب نشانه‌شناسی نوشته پی‌یر گیرو، ترجمه محمد نبوی، تهران، آگه.

صفوی، کوروش (۱۳۹۳)، *آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات*، تهران، نشر علمی.

کاسیرر، ارنست (۱۳۹۳)، *اسطوره دولت*، ترجمه یدالله موقن، تهران، انتشارات هرمس. کلائی، محمدرضا، علی اکبر ناجی و دیگران (۱۳۹۴)، «تحلیلی از انگاره‌های فلسفی اقتصاد نهادگرایی قدیم و دلالت‌های آن در حوزه اخلاق»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، سال بیستم، شماره دوم، ۱۴۲-۱۱۵.

لوتمان، یوری و دیگران (۱۳۹۰)، *نشانه‌شناسی فرهنگی*، گروه مترجمان به کوشش سجودی، فرزانه، تهران، نشر علم.

متوسلی، محمود (۱۳۸۷)، *توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، نهادگرایی و روش‌شناسی*، تهران، انتشارات سمت.

محمودی بختیاری، بهروز، فریدون علیاری و اعظم حسن‌پور (۱۳۹۵)، «بازنمایی مردم‌کرد در سینمای داستانی ایران: مطالعه‌ای در نشانه‌شناسی فرهنگی»، *فصلنامه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری*، سال دوم، شماره سوم.

۱۸۸ فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی، سال بیستم، شماره ۷۷، تابستان ۱۳۹۹

- مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۲)، «بررسی مبانی نظریه مصرف نهادگرا: نگاهی به اندیشه-های ویلن»، سیاست‌های اقتصادی، جلد ۹، شماره اول، ۱۵۷-۱۸۶.
- مومنی، فرشاد (۱۳۸۸)، «پاشنه آشیل توسعه»، جامعه و اقتصاد، سال ششم، شماره نوزدهم و بیستم، ۲۹۳-۲۵۷.
- مومنی، فرشاد (۱۳۸۵)، «ارزیابی نهادگرا از جایگاه دولت و بازار در فرآیند توسعه ملی»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال ششم، شماره دوم.
- مومنی، فرشاد و نیکونستی، علی (۱۳۹۶)، «رویکردی نهادی به توسعه و دلالت‌های آن برای ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۴، ۱۹۹-۲۴۱.
- می‌یر، جرال (۱۳۷۸)، مباحث اساسی اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد(ارمکی)، تهران، نشر نی.
- نجفی، ا (۱۳۵۸)، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران، دانشگاه آزاد ایران.
- نورث، داگلاس (۱۳۹۶)، فهم فرآیند تحول اقتصادی، مترجمین: سعید مهاجرانی، زهرا فرضی‌زاده، تهران، نشر نهادگرا.
- _____، (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- یوگنی، گرنی (۱۳۹۶)، «نشانه‌شناسی چیست»، ترجمه محمد غفاری، آزما، شماره ۱۲۱، ۱۲۳-۱۲۰.

ب- انگلیسی

- Colaizzi, Giulia; (2015), *The Passion of the Significant*, Madrid: Biblioteca Nueva.
- Coratelli, Giorgio; Galofaro, Francesco; Montanari, Fedrico. (2015), *Introduction on Semiotics of Economic Discourse*, Ocula.
- Jorna, R J, Engelen, J M L . (2006), "Marketing and Semiotics: From Transaction to Relation", University of Groningen, The Netherlands, 498-504.
- Kaen, Webb (2003), "Semiotics and the Social Analysis of Material Things", Language and Communication, Volume 23, Issues 3-4, 409-425.

- Marostica, Ana (2001), "A Logical Semiotic Filtering For Economic Data", Proceedings fourth International Conference on Computational Intelligence and Multimedia Applications, 72-76.
- Meier, G.M (1995), *Leading Issues in Economic Development*, Oxford University Press.
- North, D. C. (1990), *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press.
- Owens, E (1987), *The future of freedom in Developing World*, New York Pergamon.
- _____ (2003), *Decision Marketing Process in Organizations: a Logical Semiotic Perspective*, International Conference on Cambridge, MA, USU.
- Peirce, Charles S (1931_58), *Collected Papers*, 8 vols, vols 1_6 ed. Charles Hartshorne / Paul Weiss, vols 7_8 ed. Arthur W. Burks, Cambridge MA: Harvard UP.
- Siefkes, Martin (2010), "Power in Society, Economy, and Mentality: Towards a Semiotic Theory of Power", *Semiotica*, 225-261.
- Williamson, Oliver E. (2000), "The New Institutional Economics: Taking stock , Looking Ahead", *Journal of Economic Literature*, No 3, Vol XXXVIII, pp 595-613.